

مضمون یسن هفت‌ها و تقابل آن با گاهان^۱

نویسنده: یوهانا نارتن

ترجمه: پریسا درخشان‌مقدم

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی

مقدمه مترجم

دین مزدایی که قبل از ظهور اسلام، دین مردم ایران بوده، متعلق به پیامبر ایرانی زردشت است. گرچه درباره جایگاه و زیستگاه زردشت نظریه‌های گوناگونی وجود دارد، خصوصیت ویژه دین او یعنی مبارزه بین نیروهای خیر و شر قطعاً از اهمیتی خاص برخوردار است و همین ویژگی مورد توجه پژوهشگران بوده است. گاهان که کهن‌ترین بخش اوستا و قدیمی‌ترین اثر ادبی ایرانی برجامانده است، از سروده‌های خود زردشت است و وی در شش سرود از گاهان به عنوان اول‌شخص از خود یاد می‌کند. گاهان مشتمل بر ۱۷ سرود است و در اوستای کنونی در میان یسن‌ها قرار دارد. این سرودها از نظر ادبی بسیار باارزش‌اند، اما از همه مهم‌تر آن است که ما را به درک تفکرات و عقاید آن روز، و در نتیجه فرهنگ مردم آن زمان، قادر می‌سازد. این سروده‌ها نشان‌دهنده عقاید اصلی زردشت است که برطبق آن خدای مطلق در گاهان اهورامزدا است و جلوه‌های خاصش امشاسپندان هستند که در مقابل اهریمن

۱. گات‌ها یا گاتاها هم گفته می‌شود.

قرار می‌گیرند. به دلیل زبان شعری پیچیده گاهان، گاهی در فهم مطالب آن دچار اشکال می‌شویم. پرواضح است که در این مورد، مشکل ما ندانستن واژه‌ها نیست؛ بلکه نداشتن آشنایی کافی با تفکرات زردشت است. برداشت‌های مختلف دانشمندان اوستاشناس نیز در دشوارکردن این سرودها سهم به‌سزایی دارد. گاه برای هر واژه، معانی و تعبیرات و نقش متفاوتی در نظر گرفته می‌شود که این امر خود کار خواندن گاهان را دشوارتر می‌سازد. از نظر ساختمانی، گاهان درکل شباهتی بسیار به اشعار ودایی دارد و هر یک از پنج بخش آن، تعداد ثابتی هجا را به خود اختصاص می‌دهد.

هپتنگه‌ای یا یسن‌های هفت فصل، یسن‌های ۳۵ تا ۴۱ را تشکیل می‌دهد و به نثر است. این قسمت، پس از گاهان، قدیم‌ترین بخش اوستا است.

در اینجا ما شاهد تلفیق بسیاری از اسطوره‌ها و افسانه‌های خدایان قدیم و پیش از زردشت در نواحی مختلف ایران با عقاید زردشت هستیم. برخی معتقدند که این گفته‌ها به هیچ‌رو با عقاید اولیه و اصلی زردشت سازگار نبوده و علاقه مردم آن دوران به خاطر پای‌بندی به سنن قدیمی‌اشان موجب شده است تا موبدان و روحانیان زردشتی این آیین‌ها را برای ملموس‌تر کردن دین در باور مزدیسنان بگنجانند.

به هر حال، پرواضح است که دئوه‌ها (= دیوان) که دسته‌ای از خدایان هندوایرانی بودند، هرگز در میان ایرانیان اعتبار نیافتند؛ برعکس، اهوره مزدا (که برترین خدایان است) و شش امشاسپند او نقش محوری یافتند. پذیرفتن خدایانی چون مهر توسط پیروان زردشت نمایانگر آن است که زردشت خود مخالفتی اساسی با این خدایان نداشته است و به همین سبب این خدایان به راحتی در آیین مزدیسنی جای گرفته‌اند.

مضمون

پیش‌سخن

تقریباً هر بند از یسن‌ها در بردارندهٔ مسندی در حالت اول شخص جمع است. در اینجا نوع خاصی از جمع ارائه می‌شود که در آن یک سخنگوی واحد، افکار و عقاید گروهی را به رشتهٔ کلام درمی‌آورد. از این رو، در خلاصه‌ای که در زیر ارائه می‌شود و نیز در عبارات‌های بخش تفسیر، فاعل دستوری "سخنگویان" هستند. تنها در سه مورد (YH 35,8; 38,5; 40,1 = 41,5) از متن چنین برمی‌آید که گویندهٔ کلام مفرد است.

I (یسن ۳۵): تحقق و دستیابی به نیکی

(۱) سخنگویان سرور دانای پاک و رد راستی را می‌ستایند. بی‌مرگان پاک، شهریاران نیک را می‌ستایند. با ستایش راستی نیک و دین مزدیسنی. (۲) سخنگویان خود را به عنوان انسان‌هایی معرفی می‌کنند که نیکی را در هر کجای دنیا و هر زمان که باشد، خوشامد می‌گویند و پذیرا هستند. (۳) آنها به اختیار خود برمی‌گزینند آنچه را که بهترین است برای هستی مادی و مینوی و می‌خواهند به آن دست یابند. (۴) آنها همهٔ انسان‌ها را، صرف‌نظر از جایگاه دینی و اجتماعی‌اشان، فرامی‌خوانند به سوی تأمین رامش و علفزار برای گاو. (۵) برای رسیدن به شهریاری و حکومت مادی مقرر می‌دانند و وامی‌گذارند توانایی و نیرو و قدرت را به کسی که شایستگی‌اش را دارد یعنی اهوره‌مزدا و بهترین راستی (اشه - aša). (۶) آنها معین می‌سازند که آنچه را که زنان یا مردانی می‌دانند که نیک و درست است و نیکی را می‌شناسند، باید برای خود انجام دهند و دیگران را نیز از آن آگاه سازند تا آن را آن‌گونه که درست است، انجام دهند^(۱). (۷) به‌طور کلی چنین مشخص می‌شود که نیکی، که برای خود و شنوندگان باید تحقق یابد، در پرستش و ستایش اهوره‌مزدا و در نگهداری گاو^۱ است. (۸) در پایان این حکم، کلام یک گویندهٔ واحد در اتحاد با

۱. در اینجا و در بقیهٔ موارد، منظور از گاو و چراگاه آن و علوفهٔ گاو، استعاره از همهٔ مادیاتی

اشه گفته می‌شود، مبنی براینکه انسان‌هایی که به اشه وابسته‌اند، تنها آرزو می‌کنند آن چیزی را به دست آورند که حقیقتاً نیک است. (۹) سخنگویان بازهم می‌خواهند برآنچه گفته شده است تأکید کنند و اعلام می‌دارند که اهوره‌مزدایی که کلام آنها را دریافت می‌کند، باشد که آنها را آموزش دهد. (۱۰) سپس زنجیره دعاها و ستایش‌ها جدانشدنی می‌گردد.

II (یسن ۳۶): تقدس آتش

(۱) با توجه به تقدس آتش^(۱)، سخنگویان به همراه انسان‌های دیگری که آتش را می‌ستایند، به اهوره‌مزدا و مقدس‌ترین روح^۱ او (-mainiiu-spəništa) یعنی آتش نزدیک می‌شوند. آنها چنین تصوّر می‌کنند که آتش برای آن کسی که بخواهی به دردش آوری، درد و بدی است و برای آن کسی بد و درد و رنج‌آور است که به خاطر اعمال بدش به عقوبت الهی دچار شود. (۲) بدین ترتیب، آنها به آتش خطاب می‌کنند؛ البته نه آن آتشی که در برابر چشمان ما است و مقدس است، بلکه به آتش اهوره‌مزدا که در بالا است و با صراحت کامل از آتش خدایی می‌خواهند تا برای اجابت آرزوهایش به آنها نزدیک شود. (۳) در ادامه، برای تحقق چنین آرزو و درخواستی چنین شرطی گذاشته می‌شود^(۳) که آتش ایزدی تنها زمانی در آتش زمینی تجلی می‌یابد (جایگزین می‌شود) که در مکان‌های پرستش حاضر شود^(۴). سخنگویان به شکلی عبادی و مذهبی آتش مقدس را آتش اهوره‌مزدا می‌دانند و آن را با عالی‌ترین نام‌ها به عنوان پاک‌ترین و مقدس‌ترین روح اهوره‌مزدا می‌نامند^(۵). (۴) با احترام و ستایش تمام به آتش الهی نزدیک می‌شوند (۵) و به آن چیزی که از او جدانشدنی است، یعنی اهوره‌مزدا. (۶) آنها اعلام می‌کنند که آتش اهوره‌مزدا (پیکر نورانی او) در برابر چشمان ما است و زیباترین پیکر هرمزدی نوری است که در آسمان‌ها است و خورشید^(۶) نامیده می‌شود.

→ است که برای آدمیان لازم است و مردم باید از چهارپایانی که اهوره‌مزدا در اختیار آنها قرار

۱. سپندترین مینوی او. - م.

داده است، مراقبت کنند. - م.

III (یسن ۳۷): بی‌مرگان مقدس^۱

(۱) در شروع ستایش‌ها و دعا‌های حقیقی اهوره‌مزدا به‌عنوان خالق عالم و هستی قرار دارد. ورای آفریده‌های مادی که در رأس آنها گاو^۲ قرار دارد، از راستی نام برده می‌شود که آن را نیز اهوره‌مزدا آفریده است^(۷). (۲) سخنگویان از خود به‌عنوان انسان‌هایی نام می‌برند که در کنار گاو زندگی می‌کنند. (۳) اهوره‌مزدا همواره ستوده می‌شود با نام‌هایی که مطلوب او هستند و با فروشی‌های پاک مردان و زنان. (۴) در کنار اهوره‌مزدا، بهترین راستی را به‌عنوان موجودی ایزدی می‌ستایند که فزاینده بی‌مرگ است. (۵) سپس با ذکر پنج وجود ایزدی دیگر که با حضور اهوره‌مزدا در رأس آنها تعدادشان به هفت می‌رسد، این فصل به پایان می‌رسد. این پنج ایزد عبارت‌اند از: منش نیک (vohu-manah)، شهریاری نیک (xšaθra-)، دین (daēnā-)، شادی (fsθratū)، و فروتنی (ārmaiti-).

IV (یسن ۳۸): فراخواندن آبها

(۱) ستایش‌ها ادامه می‌یابند با ستایش زمین و نیز دیگر هستی‌های ایزدی که به‌عنوان ایزدبانوان ممتاز مشخص شده‌اند. اینها نیروهای نیکی‌اند که در مناسک تأثیرگذارند، یعنی نیروهای مینوی و معنوی که در ساخت وقایع در مناسک به کار می‌روند و در ارتباط با فصل پیش هستند: نیرو^(۸) (īzā-)، تندرستی^(۹) (Yaošti-)، عصمت^(۱۰) (fθrašti-)، درست‌اندیشی^(۱۱) (ārmaiti-). (۲) دیگر موجودات ایزدی این گروه نامیده می‌شوند: مزدنیک (aši-)، نیرو (īš-)، نیاز روغنی^(۱۲) (āzūiti-)، ستایش (frasasti-)، برکت (parāndi-). (۳) اکنون ستایش به آب‌ها تعلق می‌گیرد: آب‌ها چه در قالب ایزدبانو و چه در فرم ظاهری‌اشان همزمان ستوده می‌شوند، به‌عنوان عنصری که هدیه‌ای است برای هستی مادی و معنوی. (۴) با نام‌هایی که اهوره‌مزدا به آب‌ها داده است، آنگاه که آنها را نیک بخشنده‌گی داد، سخنگویان از آبها یاد می‌کنند و آنها را می‌ستایند. (۵) آب‌ها به‌عنوان موجودات بارور خوانده می‌شوند.

۱. منظور از بی‌مرگان مقدس، اشه و اهوره‌مزدا است. - م.

۲. منظور از گاو و روان او: ۱. روح جهان، ۲. کلیت انسان است. - م.

سپس ستایش آنها با کلام سخنگویی واحد به پایان می‌رسد: از آنجا که آب‌ها برای انسان خوبی و نیکی ارائه می‌کنند، سخنگو قول می‌دهد که با آنچه در توان دارد، برای حفظ آنها بکوشد تا آنچه را که باید، برای آنها ایجاد کند.

V (یسن ۳۹): روان‌های حیوان و انسان

(۱) نیایش‌ها و ستایش‌ها یا ستایش روان موجودات دارای روح ادامه می‌یابد. در ابتدا از گاو نام برده می‌شود: روان گاو و خالق گاو ستوده می‌شود. سپس سخنگویان از روح خودشان صحبت می‌کنند و نیز روان چهارپایانی که به آنها پناه می‌جویند و ما باید از آنها مراقبت کنیم. (۲) همچنین، روان حیوانات وحشی تا زمانی که به انسان صدمه و آزاری نرسانند، ستوده می‌شود و پس از آن روان انسان‌هایی که راست هستند چه زن و چه مرد ستایش می‌شوند در هر جا که زاده شده‌اند و وجدان آنها پیروز خواهد شد. (۳) به صورت جمع‌بندی، از همه نیکان مرد و زن و جاودانه‌فزاینندگان (بی‌مرگان مقدس) و آنهایی که در کنار اندیشه نیک قرار دارند، نام برده و آنها را می‌ستاید. (۴) سخنگویان خطاب به اهوره‌مزدا می‌گویند آنچه را که او اندیشیده و گفته، آفریده و می‌ورزد؛ آن را برای اهوره‌مزدا به کار می‌برند و او را می‌ستایند. (۵) به او نزدیک می‌شوند تا خود را با راستی ایزدی و نیروی رهاننده و درست‌اندیشی خویشاوند حس کنند زیرا به آنها وابسته‌اند.

VI (یسن چهل): دعای خیر

(۱) سخنگویان از اهورامزدا می‌خواهند که پاداشی را که مقرر کرده است، به آنها بدهد. هر یک از سخنگویان سهم خود را از اهوره‌مزدا طلب می‌کنند. (۲) سخنگویان از اهوره‌مزدا می‌خواهند تا پاداش در هستی مادی و معنوی را به آنها بدهد تا آنها بدین ترتیب به بالاترین هدف برسند یعنی به: اتحاد با اهوره‌مزدا و راستی (اشه) برای همیشه. (۳) همچنین خواهان اتحاد زمینی‌اند با: مردان و شبانان بی‌زیان. (۴) خاندان و طوایف. با این اتحاد آرزومندند تا پیروان حقیقی اهوره‌مزدا شوند.

VII (یسن ۴۱): ستایش‌ها

(۱) سخنگویان تمامی ستایش‌ها و مدح‌ها را تقدیم اهوره‌مزدا راستی (اشه) می‌کنند. (۲) آنها خواهان رسیدن به شهریاری نیک در همهٔ زمان‌ها از اهوره‌مزدا هستند؛ و نیز تقاضا می‌کنند که شهریاری نیک به انسانی نیک برسد، چه زن یا مرد، برای هستی مادی و معنوی. (۳) اهوره‌مزدا مؤثرترین باشندگان، سزاوار ستایش است که از او می‌خواهند تا باشد که به آنها زندگی و تنومندی در هر دو هستی را ببخشد. (۴) آنها خواهان نیک بخشندگی و یاری طولانی اهوره‌مزدا هستند. (۵) خود را به عنوان ستاینندگان و خوانندگان مانثره می‌خوانند. (۶) با کلام یک سخنگو خواهان پاداش مزد برای انسانی چون او هستند که اهوره‌مزدا باید آن را بدهد. در پایان، برای دومین بار از اهوره‌مزدا می‌خواهند که مزد آنها را در هر دو هستی مادی و معنوی به آنها بدهد: برای اتحاد با اهوره‌مزدا و اشه برای همیشه.

یسن‌ها و گاهان

هیچ شکی وجود ندارد که یسن‌ها از نظر زبانی از همان گویشی برخوردار است که گاهان دارد، اما بی‌شک هر دو متن از نظر محتوا به شدت با هم اختلاف دارند. این تفاوت‌ها به‌طور عمده از دو توضیح متقابل برخوردارند که تحقیقات جدید بخشی از یکی و قسمتی از دیگری را قبول دارد. یکی از این توجیحات از این قرار است: یسن‌ها قدیمی‌تر از گاهان است؛ ببینید باوناک^۱، ۴۵۰: «از نظر زمانی غیرممکن است که یسن‌ها بین گاهان و اوستای جدید قرار بگیرد. زردشت جوان‌تر از شاعر دعاهای هفت‌گانه است». نظریهٔ دیگر مبنی بر آن است که یسن‌ها متأخرتر از گاهان است؛ ببینید بارتولومه، ملاحظات ۱۲۷۲: در برابر توضیحات باوناک باید بر این نکته تأکید شود که کاملاً مسلم است که «یسن‌ها آن قدر قدیم نیست، چه رسد به اینکه قدیم‌تر از پنج‌گات‌ها^۲ باشد». مقایسه شود با وزندونک^۳، صفحهٔ ۵: «روح جدیدی در یسن هپتنگهائی اعتبار می‌یابد. درحالی‌که به این ترتیب هستهٔ اعتقادی حقیقی تغییر یافته و از شکل اصلی خارج می‌شود. در یسن هپتنگهائی سعی بر آن است که

1. Baunack

2. Gāthās

3. Wesendonk

از یک دیدگاه تغییر یافته و دنیای عقیدتی زردشت تجدید معنا شود و نیز برای بازسازی دینی مزدایی بیشترین اهمیت را داراست». شاید پرستش درباره جایگاه یسن‌ها زمانی به پاسخ نزدیک‌تر شود که سعی شود فهرستی از تطابق‌ها با گاهان و نیز فهرستی از اختلاف‌های آنها تهیه و در ارتباط با هم بررسی و اهمیت‌شان سنجیده شود.

۱. مطابقت‌ها

۱. جایگاهی که اهوره‌مزدا در یسن‌ها دارد، کاملاً با جایگاه او در گاهان قابل مقایسه و مطابق است.
۲. در گاهان و نیز در یسن‌ها، راستی (aša-اشه) همان نیروی روحی و به عبارت دیگر وجود الهی است که بعد از اهوره‌مزدا و در کنار او دارا است.
۳. همانند گاهان، در یسن‌ها نیز مفاهیم مجرد و انتزاعی وجود دارد که در قالب شخصیتی ارائه می‌شوند و نقش مهمی را ایفا می‌کنند؛ به طور مثال: اندیشه نیک (vohu-manah)، شهریاری (xšaθra-)، درست‌اندیشی (ārmaiti).
۴. در هر دو متن، ارزش زیادی به نگهداری و خوش رفتاری با گاو ذکر شده است؛ و در هر دو از روان گاو و خالق آن نام برده می‌شود.
۵. تحقق نیکی و دستیابی به آن در هر دو متن خواسته اخلاقی از وجود الهی و ایزدی است.
۶. در گاهان و نیز در یسن‌ها، نه از میثره^۱ و نه از اپام‌نپات^۲، اردوی سورا اناهیتا^۳ یا دیگر ایزدان معروف اوستای جدید نامی برده نمی‌شود؛ و در هر دو متن از هوم^۴ یا قربانی برای آن نیز چیزی ذکر نمی‌شود.
۷. در هر دو متن از اسامی هفت‌گانه امشاسپندان^۵ که در اوستای جدید معروف هستند، نامی برده نمی‌شود.

1. Mithra

2. Apam Napāt

3. Arəduuī Sūrā Anāhitā

4. Haoma

5. Aməša Spəntas

۲. تفاوت‌ها

۱. چشمگیرترین تفاوت بین گاهان و یسن‌ها، ستایش آن در فصل چهارم یسن‌ها است. در گاهان، از آب فقط به عنوان مخلوق اهوره‌مزدا نام برده می‌شود و در هیچ کجا اشاره‌ای نشده است که آب‌ها ستوده می‌شوند. همچنین نامیدن آب‌ها به *ahurānī-* با گاهان هیچ تطبیقی ندارد.
۲. نقشی که آتش اهوره‌مزدا در فصل دوم یسن‌ها ایفا می‌کند که در آن آتش مقدس را که فراهم شده است، فرامی‌خوانند، با جایگاه آتش در گاهان قابل قیاس نیست.
۳. آنچه در پایان فصل دوم درباره شکل و نماد ظاهری اهوره‌مزدا از نور گفته می‌شود، با گاهان تطابق ندارد.
۴. ستایش زمین در آغاز فصل چهارم در گاهان وجود ندارد.
۵. در بین موجودات ایزدی در فصل چهارم، سه تن از آنها یعنی تندرست‌سازی (*yaošti-*)، تعالی بخشیدن (برکشیدن) (*fərašti-*) و برکت (*parəndi-*) حتی به صورت انتزاعی هم در گاهان وجود ندارد.
۶. برعکس، از مفاهیم گاهانی مثل کمال (*hauruuatāt-*) و بی‌مرگی (*aməṛətatāt-*) که در اوستای جدید به عنوان بی‌مرگان مقدس به کار برده می‌شوند، در یسن‌ها نامی نیست.
۷. علاوه بر آن، جزئیاتی است در گنجینه لغاتی از مفاهیمی که در اوستای جدید نقش مهمی دارند. از این مفاهیم، تنها اندکی در یسن‌ها وجود دارد و در گاهان یافت نمی‌شوند؛ به خصوص [در مورد] اصطلاحات [مانند] بی‌مرگان مقدس (*aməša-spənta-*: اوستای جدید و *spənta-aməša-*، *YH*)، گزینش (*frauuāši-*)، ستودنی (*yazata-*).
۸. به هر حال این نکته کم‌اهمیت تلقی شده است که هستی‌های الهی (ایزدان) فصل چهارم یسن‌ها که به طور کلی از مفاهیم انسانی شده مربوط به مناسک دینی تشکیل شده‌اند، از یک سو به عنوان *gənā-* و آب‌ها و از سوی دیگر به عنوان *ahurānī-* نامیده شده‌اند. سخن از آن نیست که آنها همسران ایزدان‌اند، زیرا واژه نخست (یعنی *gənā*) به مفهوم زن (= زوجه) نیست بلکه به طور کلی به مفهوم «زن

والامقام است و واژه دوم (یعنی ahurānī) در دوره اوستایی کهن مفهوم اسم عام برای ایزد بانوان (= ایزدان مؤنث) را داشته است.

خلاصه آنکه هر دو اصطلاح فقط نشانه انسانی کردن مفاهیم‌اند.

۹. تفاوت دیگر بین گاهان و یسن‌ها این است که در یسن‌ها به‌جز یک استثنا در مورد اشاره به تصورگاهانی از به‌سزارساندن بشر توسط اهوره‌مزدا (-axti, 36,1)، هیچ چیز منفی ذکر نمی‌شود: لغات -aka-, -auuant-, -drəg-, -daēuua- و نظایر آن به کار نمی‌روند و لغتی که در یسن‌ها محبوب است و زیاد استعمال می‌شود -vohu- است. برخلاف آن، در گاهان مبارزه بین خیر و شر (نیکی و بدی) نقش مهمی ایفا می‌کند.

۱۰. و بالاخره، اختلاف دیگر در به‌کاربردن نام خداست که در یسن‌ها فقط به صورتی که در گاهان آمده، یعنی -ahura- mazdā- ذکر نمی‌شود بلکه به شکل ahura - mazdā- ظاهر می‌شود که در اوستای جدید غالباً به‌تنهایی می‌آید (۹:۱۵).
۱۱. در مورد تفاوت در کاربرد کلمات غیرصرفی (partikeln) at و āt رجوع کنید به بالا صفحه ۲۱.

در باره شباهت‌ها و تفاوت‌ها باز هم می‌توان سخن را به‌دراز کشاند؛ اما به‌ذکر نکات مهم در اینجا بسنده می‌شود و مجدداً به سؤال قبلی یعنی مسئله قدمت یسن‌ها برمی‌گردیم. در این مورد باید به‌هرحال یک نکته را مدنظر داشت: تمامی نقل‌قول‌های یسن‌ها از گاهان یا موارد تفاوت آن با گاهان را نباید به‌منزله تفاوت قدمت آنها تلقی کرد؛ بلکه باید توجه داشت که یسن‌ها متنی است که در آن ستایش و نیایش وجود دارد و به همین دلیل گزینش ویژه‌ای از وقایع دارد که مربوط به سبک متون دینی است. برای مثال، نام‌نبردن از شر (بدی) را می‌توان به خصوصیات اینگونه متون مربوط دانست.

اگر اساس را چنین قرار دهیم که یسن‌ها - که بی‌شک دربردارنده عقاید گاهانی است - متأخرتر از گاهان است، باید به آن دسته از وقایع و جزئیات که با گاهان تفاوت دارد، تقریباً جایگاهی میانی بدهیم (در میان گاهان به‌سوی اوستای جدید). پس، می‌توان قسمتی از آن مثل «نخستین گواهی» (II7) و صورت اسمی ahura-mazdā (II 10) را مربوط به کاربرد زبانی اوستای جدید دانست که در یسن‌ها

مضمون یسن هفت‌ها و تقابل آن با گاهان ۱۳۹

غالباً *mazdā-ahura-* و تنها در چند مورد *spənta-aməša-* نامیده شده است. در مورد ستایش آب به این نتیجه می‌رسیم که حداقل چند فصل از مناسک یسنا (Y 63-68) درباره «قربانی و پیشکش به آب» (*Āb-zōr*) است که در آنها به جز چند برداشت ظاهری – برای مثال، در اینجا فقط از *ahurānī-ahurahe* (مقایسه شود با بالا III8) سخن به میان می‌آید – و نیز نقل قول 38, 3-5 *yh* چیزی دیده نمی‌شود. در ضمن، در اوستای جدید به عنوان ایزد آب‌ها صرف نظر از چند جا که نام قدیمی ایزد اپام نپات (*Apam Napāt*) می‌آید، ایزد بانوی رودخانه‌ها – اردوی سورا اناهیتا (*Arəduuī Sūrā Anāhitā*) – نقش محوری و مرکزی دارد.

در تفاوت با ستایش آب‌ها به صورتی سیر مناسک یشت ۳۶ که در آن آتش اهوره مزدا مرکزیت دارد، در مقایسه با سیر وقایع مناسک در متون اوستای جدید قابل قبول نیست؛ اما آتش اغلب جاها به عنوان شخصیتی ایزدی فراخوانده می‌شود و در تفاوت با پنج نوع آتش دو مفهوم در قالب یک نقش ظاهر می‌شوند (*uruuāzišta- vāzišta*) (YH 36.2.3).

ستایش زمین تنها چند مورد مشابه در اوستای جدید دارد (به هر حال زامیاد – یشت به آن تعلق ندارد، همچنین قسمت اول 19,1-8 *Yt*).

به طور کلی باید اذعان داشت که یسن‌ها با تمامی جنبه‌های اساسی خود، متنی نیایشی است یعنی نسخه دومی از اوستای قدیم را در برابر متون بی‌شمار نیایشی و مناجات جمعی اوستای جدید عرضه می‌کند. بنابراین بین گاهان و اوستای جدید قرار می‌گیرد.

اگر به این علت و موارد مشابه آن نتیجه گرفته شود که یسن‌ها متأخر از گاهان است، باید بی‌درنگ این نظریه را نیز پذیرفت که: یسن‌ها به علت زبانش نمی‌تواند خیلی دور از گاهان باشد و تکامل برخی جنبه‌ها و برداشت‌های یسن‌ها مانند مفاهیم *frauuāši-* و *spənta-aməša-* ممکن است در فاصله زمانی بسیار کوتاهی ایجاد شده باشند.

اما دلایلی نیز دال بر اثبات این مدعا هستند که یسن‌ها از نظر محتوا قدیم‌تر از گاهان است. برخلاف برداشت کاملاً روحانی گاهان که در آن تصور از راستی (اشه- *aša*)، درست‌اندیشی (*ārmaiti-*)، اندیشه نیک (*Vohu-manah-*) و نظایر آن

مفاهیم انتزاعی هستند. برای مثال، نوع و شیوه‌ای که آب‌ها در یسن‌ها مفهوم انسانی می‌یابند و ستوده می‌شوند، تا حد زیادی باستانی است (مقایسه کنید با بویس، تاریخ، ۵۱، ۷۱). برای تعیین سن نسبی متن می‌توان بسامد واژه‌های نادر را ذکر کرد (hapax واژه‌ای است که فقط یک‌بار پیش می‌آید و در لاتین legomena یعنی واژه‌ها). مقایسه کنید با باوناک، ۴۲۰. در حالی که از کمال (hauruuatāt) و بی‌مرگی (amərətātāt) در یسن‌ها نامی نیست، در گاهان شواهد بی‌شماری در دست است و هر دو نام در اوستای جدید در پایان نام‌های هفتگانه امشاسپندان قرار می‌گیرند و این خود دلیل دیگری است برای قدمت بیشتر یسن‌ها (مقایسه کنید با باوناک، ۴۴۹). همچنین این مطلب که نامی از زردشت در آن نیست می‌تواند ارزشمند باشد.

پس باید آنچه در گاهان و یسن‌ها با هم تطابق می‌کند، یا مربوط به بازمانده مشترکی از دوران پیش از زردشت باشد - که همزمان عناصر مهم گاهان را تشکیل می‌دهند - یا آنکه در یسن‌ها اصلاح شده و به صورت مفاهیم مزدیسنايي درآمده باشد.

اگر هر دو برداشت را با هم ادغام کنیم، یعنی پیش از گاهانی و پس از گاهان را در یشتها داشته باشیم، عمدتاً دو امکان پیش می‌آید:

یا آنکه یسن‌ها کاملاً یک متن متأخر است که در تمامی جزئیات آن، عناصر مربوط به سنت دینی قدیمی رسوخ کرده است (برای مثال، مقایسه کنید با دوشسن - گیمن، L. a Preghiera، رم ۱۹۶۷، ۶۹۰ = Opera minora II, 44) (۱۳). اما در اینجا باید توجه داشت که - همان‌طور که اشاره شد - دستاوردها و نتایج زبانی، وجود فاصله زمانی زیادی را بین گاهان و یسن‌ها احتمال نمی‌دهند. پذیرفتن رسوخ عقاید قدیمی پیش از زردشت و دوران الحاد، همان‌گونه که در اوستای جدید قابل مشاهده است، مطمئناً نشان‌دهنده یک فاصله زمانی با تعالیم خود زردشت هستند.

یا آنکه یسن‌ها در بردارنده جزئیاتی از متون قدیم است که به دوران پیش از گاهانی می‌رسند؛ اما به طور کلی حاصل اصلاح تعالیم مزدیسنايي دوران پس از گاهان است (مقایسه شود با بویس، تاریخ، ۵۱، ۱۶۰، ۲۶۲):

... یک دعا در هفت بخش کوتاه ...، که احتمالاً منعکس‌کننده و یادآور

[مجموعه‌ای از گفتنی‌های موبدان قدیم به گویش گاهانی است]، موبدانی که هنوز ترجیح می‌دهند از اشکال قدیمی لغات که پدرانشان به آنها آموخته‌اند، استفاده کنند؛ و تعجب‌آور نیست که این قبیل کارها که سنت‌گرایان آنها را محافظت می‌کنند، مساوی مطالب باستانی باشند، که به هر حال از نظر زردشتیان راسخ کاملاً به‌خوبی پذیرفته شده است.^۱

پس این تفسیر کاملاً روشن به نظر می‌رسد؛ اما باز هم در اینجا مسئله‌ای را باید در نظر گرفت که کاملاً جور در نمی‌آید. در این باره سؤالی نادیده گرفته شده و آن این است که آیا معیارهایی در زبان‌شناسی وجود دارد که به موجب آنها بتوان به این نتیجه رسید که یسن‌ها یک قطعه نوشته‌شده مذهبی و مناجات‌نامه‌ای متشکل از هفت فصل یا خلاصه‌ای از متون پراکنده‌ای است که روی آنها کار شده، تغییر شکل یافته و به این صورت درآمده است. اگر چنین کاری حاصل نوشته یک نفر باشد، دیگر نمی‌توان به این سؤال پاسخ داد که متون اصلی بدون منابع مشابه کجا هستند. سؤال‌های دیگری هم در این مورد مطرح می‌شود: چگونه متونی در گویش اوستای قدیم وجود دارند که ممکن است از پدران به پسران به سنت رسیده باشند؟ آیا در کنار گاهان نو در دوران حیات زردشت نیز متون دینی به همان گویش تدوین یافته‌اند که به علت داشتن محتوای باستانی و الحادی آنها از طرف زردشت منع شده‌اند و چند نسل بعد پیروانش آنها را پذیرفته و جمع‌آوری کرده‌اند؟

در اینکه همزمان با زردشت، مشخصه‌های دیگری از ادیان باستانی ایرانی نیز وجود داشته است که از آنها در گاهان به صورت دیوپرستان^۲ یاد می‌شود، هیچ شکی نیست. مسئله فقط اینجا است که آیا متون دینی دوران قدیم‌تر، زمان نسبتاً کوتاهی پس از گاهان‌اند که مزدیسنان آنها را پذیرفته‌اند، در صورتی که محتوای آنها با تعالیم دینی زمان خودشان جور در نمی‌آمده است. یک دوران طولانی - چنان که در بالا بدان اشاره شد - به دلیل شکل زبانی یسن‌ها غیرممکن است؛ بنابراین باید اساس را بر آن دانست که پیروان زردشت در این دوران نخستین هنوز آگاهی‌های

۱. این قسمت در متن اصلی به انگلیسی آمده که برای سهولت کار خوانندگان ترجمه شده است. - م.

عینی و زنده‌ای داشتند که تقریباً همان چیزی بود که سرور دینی آنها مدنظر داشت. تأمل در این مسئله موجب می‌شود که بپذیریم فقط محتوای عناصر دینی پیش از زردشت و الحاد در متن رسوخ کرده باشند.

اکنون حائز اهمیت است که محتوای یسن‌ها در تمامی نکات و مواردش که در آنها از مضمون گاهان دور شده است، مدنظر قرار گیرد. بدین ترتیب، هیچ موردی وجود ندارد که در هر دو متن حتی برای یک‌بار تناقض و ضدیت دیده شود. بیشتر چنین است که در گاهان از بسیاری از دیدگاه‌های یسن‌ها اثری نیست (برای مثال، بسیاری از آن چیزهای مادی که ستوده می‌شوند و به آنها شخصیت‌هایی همانند انسان داده شده است)؛ و در یسن‌ها تعداد دیدگاه‌های گاهان (به جز مبارزه خیر و شر و نیز به‌طور مثال هرگونه ارتباط با اشخاص یا وقایع) بی‌شمار نیست.

این امر به این تفکر نزدیک است که شاید یسن‌ها متنی مناجات‌نامه‌ای باشد؛ به آن صورت که در دوران زندگی زردشت یا مدت کمی پس از درگذشتش، پیروان بلافصل او آن را از حفظ می‌خوانده‌اند (مقایسه کنید با گرشویچ، Hb.Or.Lit. و ۱۸ و نارتن، Am.Sp. ص ۱۳۶ به بعد).

اختلاف‌ها عمدتاً بیانگر تفاوت نوع ادبی هستند. گاهان یک شاهکار ادبی و شعری است که کاملاً به سنت ادبیات موبدی هند و ایرانی تعلق دارد. اما این اثر حتی اگر از آغاز در خدمت مقاصد دینی به‌نگارش درآمده باشد، از نظر ساخت و محتوا مشخصه متون آیینی را ندارد (ببینید: با ادبیات، نارتن، همان‌جا که قبلاً متذکر شد، ص ۱۳۵). متون آیینی به هر حال متونی نیستند که کسی برای جشن مذهبی در گردهمایی‌ها بخواند، یا برای عبادت، دعا و ستایش به کارگیرد یا آموزش دهد؛ اما احتیاجات و نیازهای دینی از این قبیل در یسن‌ها، در نخستین کلمه تا آخرین آن برآورده می‌شود. همچنین، یسن‌ها از متون اوستایی کهن است که در واقع دستاوردهای مناسک را محسوس و روشن با گردهمایی در کنار آتش مقدس و تقدیم زوهر و نیایش به آن مجاز می‌کند. اینکه آیا ستایش آب با انجام دادن مناسکی محسوس و مشخص پیوند داشته است یا نه، با اطمینان از متن برداشت نمی‌شود؛ با این حال، «رسیدن سهم‌های نیک» (38,5. viiādā paiti sōndā) برداشت و تفسیر شده است، و نیز مانند واژه‌های آغازین در بخش پیش از آخر «اینجا در این

مضمون یسن هفت‌ها و تقابل آن با گاهان ۱۴۳

پیشکش‌ها» (40, 1 āhū aṣ paitī ādāhū)^۱ تفسیر می‌شود. اما چنانچه ستایش آتش، مرکزیت اصلی داشته باشد، می‌توان این عبارات را در مفهوم مجازی و استعاری نیز به کار برد (مقایسه شود با تفاوت ویژگی‌های بین yaz در ریگ‌ودا به معنی «قربانی کردن» و yaz در اوستای کهن به معنی «پرستیدن / ستایش کردن»). تقدیم سهم به موجودات ستودنی، و اجرای صحیح و درست مناسک آیینی فقط با اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک ممکن بوده است؛ و به این ترتیب، به ایزد نیرو بخشیده می‌شد.

در مورد اشاره‌نشدن صریح به قربانی – همان‌گونه که «قربانی مایع» (zaoθra-)، قربانی هئومه (هوم) اوستای جدید است که تشکیل و عرضه آن در یشت‌ها کاملاً توصیف شده است – یسن‌ها و گاهان مشترک هستند. به همین ترتیب، در هر دو متن این اشتراک وجود دارد که مناسک کوچک باستانی مثل «زوهر» (īžā-) و نیاز روغنی (āzūiti-)، قربانی‌های مادی مشخصی اطلاق نمی‌شده‌اند: اینها در گاهان به عنوان استعاره برای ستایش انسانی و یا آنچه از طرف اهوره‌مزدا^۲ در نتیجه ستایش انسان‌ها داده شده است، به کار می‌آیند؛ و در یسن‌ها به صورت موجودات ایزدی درآمده‌اند که برای آنها همان ستایش انجام می‌شود، مانند درست‌اندیشی (ārmaiti-).

«نخستین گواه» از یسن‌ها به جای نشان دادن قدمت متن می‌تواند نمایانگر تفاوت‌های نوع ادبی باشد. در واقع آنها خصوصیات ویژه متون عبادی و مناجات را تشکیل می‌دهند که سهم فرح‌بخش و عامه‌پسند آن بیشتر مبنی بر ساخت‌های زبانی مناسک است. یسن‌ها بخصوص در چارچوب دیگر اختلافات واژگانی قابل بررسی است (ببینید ص ۲۰ به بعد). وجود واژه‌هایی عام چون -sṛīra-, -ast-, -nāiri-, -mātar- در اینجا -sraēšta- در یسن‌ها و نبودن آنها در گاهان نشان‌دهنده آن است که – حداقل در اینجا – ترتیب تاریخی و زمانی نسبی در کار نیست. یسن‌ها که پیروانش با قرائت آن به دور آتش مقدس گرد می‌آمدند، یک محور مرکزی و مهم در مناسک به شمار می‌آمد و سرودهای گاهان نقش مکمل و همراه‌کننده ضروری برای تکمیل عبادت خدا را

۱. مقایسه شود با گلدنر (در جزئیات متفاوت است)، GTP II، ص ۳۲-۲۷.

۲. مقایسه کنید با نارتن، Am.Sp.، صص ۴۷، ۴۸، ۱۱۶.

داشتند.^۱

چنانچه مناسک در دوران زندگی زردشت انجام می‌شده است و یا نه چندان پس از آن - و تقریباً به همان شیوه معمول - ترتیب و توالی سنتی که برخی برای یسن‌ها قائل شده‌اند - یعنی یسن‌ها را بلافاصله پس از گاهان قرار می‌دهند - می‌تواند به مثابه واکنش نهایی کسانی (مقصود پژوهشگران است) ارزیابی شود که هر دو متن را زمانی متعلق به هم می‌دانسته و یسن‌ها را محور عبادات و مناجات می‌پنداشته‌اند.^۲

پی‌نوشت‌ها

۱. کلنز این بند را به مراسم آیینی مربوط می‌داند که پیش از زردشت وجود داشته و پس از ظهور عقاید زردشت با افکار او همسو شده است. - م.
۲. آتش در اوستا، ātar و آتور در پهلوی، در سنسکریت از ریشه ādri به معنی شعله برای خدای آتش (اگنی) صفت محسوب می‌شده است. این عنصر در میان عناصر چهارگانه (آب، باد، آتش و خاک)، از همه سودمندتر است و از دیرباز در میان غالب اقوام اهمیت خاصی داشته و ستایش می‌شده است. آتش میان طوایف هندواروپایی محترم و مقدس بوده و بنیان‌آزیدی دارد. هندوها آتش را پسر رب‌النوع آسمان می‌دانند و چنین می‌پندارند که از آسمان به زمین آورده شده (فرهنگ اساطیر، ص ۳۲) و در اوستا پسر اهوره‌مزدا است (یشتها). آتش، پیک میان بشر و خدایان بوده است. در اوستا (یسنای ۱۷، بند ۱۱) پنج قسم آتش شمرده و به هر یک جداگانه درود فرستاده شده است. یسنای ۶۲ در ستایش آذر است و آتش‌نایش از آن استخراج شده است. در پایان جهان، همه برای پاک‌شدن باید از روی گداخته بگذرند که آتش است. - م.
۳. باید در نظر داشت که اعمال مذهبی، آداب خاصی دارد که در واقع در اینجا به این آداب اعتقادی اشاره دارد مبنی برآنکه تجلی‌یافتن آتش هرمزدی در آتش زمینی تنها زمانی امکان‌پذیر

۱. مقایسه کنید با خصوصیات مختصری از زردشت در آغاز هوم‌یشت Y 9.1:

hāuuanīm ā ratūm ā
 haomō upāit zaraθuštrəm
 ātrəm pairi.yaoždaθəntəm
 gāθāasca srāuuaiiantəm

«در زمان فشردن هوم هئومه به زردشت نزدیک شد، که حلقه آتش را کامل ساخته بود و

۲. مقایسه کنید با نارتن، ص ۱۳۶ به بعد.

گاهان را ازبرخواند.»

مضمون یسن هفت‌ها و تقابلی آن با گاهان ۱۴۵

می‌شود که آتشی که برای ستایش افروخته شده است، درست تهیه شود و با نماز بردن و تقدیم نیایش و زوهر به آن نیرو دهند. - م.

۴. این بخش پرمعنا از یسن‌ها دلیلی بر اثبات فرهنگ آتش‌پرستی نزد مزدیسنان است.

۵. حضور آتش در آتشکده، نماد مرئی وجود اهوره مزدا است. - م.

۶. در این باره بحث زیادی وجود دارد که معنای حقیقی این عبارت چیست. شاید در خورشید مسئله‌ای اشراقی وجود دارد و تجلی‌یافتن پیکر هرمزد در خورشید و نور که یکی از القابی است که به هرمزد نسبت می‌دهند، استعاره باشد. - م.

۷. در این بخش، از نعمت‌های هرمزد صحبت می‌شود. خلق گیاهان، آب، گاو و راستی، از بزرگی اهوره مزدا است و با تقدیم دعاها از طریق گاو و کسانی که در کنار گاو زندگی می‌کنند، اورمزد ستایش می‌شود. - م.

۸. سنسکریت *idā* - بارتلمه: تلاش و کوششی که جنبه دینی و اعتقادی داشته باشد.

هومباخ: فدیة و نذری که معنی زوهر را می‌دهد (آشامیدنی است).

نارتن: نیرو از *aeš-*

ایسبرگ: کره و شیر. - م.

۹. کلنز و نارتن: تندرستی.

بارتلمه: تلاش، چالاکی، کوشایی.

هومباخ: با *yaoždā* ارتباط می‌دهد و معنی پاکی برایش در نظر می‌گیرد. - م.

۱۰. هومباخ معتقد است که با فرم *fraxš* باید در نظر گرفت که شده است *fraš* به معنی درخشش و آن را از تظاهرات آرمتی می‌داند.

بارتلمه: مشاوره کردن در معنی عقیدتی می‌گیرد.

بیلی: فراوانی از ریشه *āxs* = هوشیاری، بیدار کردن؛ و تطابق می‌دهد با *Pre* در سنسکریت

به معنی فراوانی و فزونی و از آن در اوستا *fərədš* - م.

۱۱. هومباخ: درست‌اندیشی.

نارتن: وجدان پاک.

کلنز: فروتنی. - م.

۱۲. بارتلمه با *ahuti* در سنسکریت مقایسه می‌کند؛ یعنی او چربی‌های مربوط به شیر

نارتن را با *xšuuīd* اوستای جدید برابر گرفته است و شیر و چربی را مربوط به شیر می‌داند.

ممکن است نمادی از بخشش ایزدی باشد. در هفت‌ها نوعی بخشش ایزدی است. - م.

۱۳. اینکه دوشن - گیمن به عنوان مثال برداشت کاملاً تنزل یافته‌ای از «زنان» اهوره مزدا را نقل

قول می‌کند (ببینید در صفحه ۱۹۸ به بعد)، در این خصوص حائز اهمیت نیست.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی